

Preemptive Self-Defense in International Law

Mohammad Yahya Balaghat^{1✉} , and Abdulhaq Abed² 

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan. Corresponding author E-mail: balaghat@kateb.edu.af
2. Master's Student in International Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan.
E-mail: Abdulhaqabid7@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:
Received :24/01/2025
Received in revised
form :19/02/2025
Accepted :14/03/2025
Available online :
20/03/2025

Keywords:
International Law,
Preemptive Self-
Defense,
Use of Force,
Global Security

Preemptive self-defense, meaning a state's military action in anticipation of an imminent threat, is a complex and contentious issue in international law that has gained significant importance with the rise of terrorist threats and increasing international tensions. While Article 51 of the United Nations Charter recognizes the inherent right of self-defense in response to armed attacks, it remains silent on the legitimacy of preemptive measures. This research, employing an analytical-comparative method, examines the legal, ethical, and political dimensions of preemptive self-defense and analyzes the conditions of its legitimacy. The findings of this study indicate that preemptive self-defense is justifiable only under limited and specific circumstances, including the existence of a genuine and imminent threat, adherence to the principles of necessity and proportionality, and the absence of alternative solutions. The inappropriate application of this doctrine can lead to the weakening of state sovereignty and the exacerbation of international instability. Consequently, this study emphasizes the necessity of developing comprehensive international frameworks and oversight mechanisms to prevent the misuse of this concept and to strengthen global peace and security

Cite this article: Balaghat, M. & Abed, A. (2025). Preemptive Self-Defense in International Law, *Kateb Journal of Law*, 3 (2), 1-25.



© The Author(s).

Publisher: Kateb University.

دفاع پیشگیرانه در حقوق بین الملل

محمدیحیی بلاغت^۱، عبدالحق عابد^۲

۱. پوهنځار پوهنځی حقوق، پوهنتون کاتب، کابل افغانستان (نویسنده مسئول).

ایمیل: balaghat@kateb.edu.af

۲. محصل ماستری حقوق بین الملل، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان. ایمیل: Abdulhaqabid7@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

دفاع مشروع پیشگیرانه، به معنای اقدام نظامی یک کشور در پیش‌بینی و مواجهه با تهدید قریب‌الوقوع، موضوعی پیچیده و چالش‌برانگیز در حقوق بین‌الملل است که با افزایش تهدیدات تروریستی و تنش‌های بین‌المللی، اهمیت بیشتری یافته است. در حالی که ماده ۵۱ منشور ملل متحد، حق ذاتی دفاع مشروع در برابر حملات مسلحانه را به رسمیت می‌شناسد، در خصوص مشروعیت اقدامات پیشگیرانه سکوت کرده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به صورت تطبیقی، به بررسی ابعاد حقوقی، اخلاقی و سیاسی دفاع مشروع پیشگیرانه و تحلیل شرایط مشروعیت پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دفاع پیشگیرانه تنها در شرایط محدود و مشخصی همچون «وجود تهدید واقعی و قریب‌الوقوع»، رعایت اصول ضرورت و تناسب و فقدان راهکارهای جایگزین، قابل توجیه است. به کارگیری نادرست این دکترین می‌تواند موجب تضعیف حاکمیت کشورها و تشدید بی‌ثباتی بین‌المللی گردد. سرانجام، این مطالعه بر ضرورت تدوین «چهارچوب‌های حقوقی شفاف» بین‌المللی و سازوکارهای نظارتی به منظور جلوگیری از سوء استفاده از این مفهوم و تقویت صلح و امنیت جهانی تأکید می‌ورزد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۵

تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۳/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

واژه‌های کلیدی:

حقوق بین‌الملل،

دفاع پیشگیرانه،

توسل به زور،

امنیت بین‌الملل

استناد: بلاغت، محمدیحیی و عابد، عبدالحق (۱۴۰۳). دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل. *دوفصلنامه حقوق کاتب*،

۳ (۲)، ۲۵-۱.



© نویسندگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

مقدمه

توسل به زور در روابط بین‌الملل، بر اساس اسناد بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل متحد، به‌طور کلی ممنوع است و هیچ کشوری مجاز نیست از زور در تعاملات بین‌المللی خود استفاده کند. مطابق منشور ملل متحد، تنها در دو مورد، یعنی «دفاع مشروع» و «مجوز شورای امنیت سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، توسل به زور مجاز شمرده شده است. بویژه، ماده ۵۱ منشور به استفاده از قوه قهریه در قالب دفاع مشروع، چه به‌صورت فردی و چه جمعی، در برابر حمله مسلحانه اشاره دارد؛ اما خارج از این موارد، هرگونه توسل به زور، ناقض صریح منشور تلقی می‌شود. مفهوم دفاع مشروع را می‌توان در دو حالت تصور کرد: نخست، دفاع در برابر حمله‌ای که واقع شده است و دوم، دفاع پیشگیرانه در برابر حمله‌ای قریب‌الوقوع که هنوز رخ نداده است. به‌طور کلی، دفاع مشروع پیشگیرانه به حالتی اطلاق می‌شود که دولتی، بدون آن که حمله‌ای علیه آن صورت گرفته باشد، صرفاً به استناد احتمال قریب‌الوقوع بودن یک حمله در آینده و به منظور پیشگیری، به اقدام نظامی دست می‌زند.

دفاع مشروع پیشگیرانه جایگاهی مهم در حقوق بین‌الملل دارد؛ زیرا به تبیین شرایط و ضوابط استفاده مشروع از زور در برابر تهدیدات قریب‌الوقوع می‌پردازد. در چنین شرایطی، تحلیل دقیق این دکتربین بویژه از منظر حفظ صلح و امنیت جهانی و جلوگیری از بروز درگیری‌های گسترده، ضرورت می‌یابد.

هدف این تحقیق، بررسی مفهوم، مبانی و حدود دفاع مشروع پیشگیرانه در چارچوب حقوق بین‌الملل معاصر است. این تحقیق تلاش دارد با رویکردی تحلیلی، ابعاد حقوقی این دکتربین را روشن ساخته و به سؤال‌های کلیدی پاسخ دهد. از جمله این که دفاع مشروع پیشگیرانه چیست، چه ارکانی دارد و آیا می‌توان آن را به‌عنوان یکی از استثنائات ممنوعیت توسل به زور در نظام حقوق بین‌الملل تلقی کرد؟ این تحقیق در پی آن است که با بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی، نظریات حقوقدانان و رویه‌های قضایی معتبر، تصویری روشن از چالش‌های نظری و عملی این مفهوم ارائه دهد.

تعریف مفاهیم تحقیق

در این بخش، مفاهیم کلیدی و اصطلاحات اساسی پژوهش به‌منظور ایجاد درک مشترک و رفع هرگونه ابهام تبیین می‌گردد. تبیین دقیق این مفاهیم، زمینه‌ساز تحلیل علمی و روشنگر هدف محقق در روند تحقیق خواهد بود.

۱. مفهوم دفاع مشروع

دفاع مشروع، اصلی اساسی در حقوق بین‌الملل است، که به کشورها یا افراد اجازه می‌دهد در شرایط خاص، برای مقابله با تهدیدات یا حملات مسلحانه غیرقانونی از خود دفاع کنند. این مفهوم در اسناد بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، کشورها حق دارند در صورت حمله مسلحانه به خاک‌شان، به دفاع مشروع بپردازند. با این حال، این دفاع باید در چهارچوب اصول ضروری حقوق بین‌الملل و با رعایت تناسب و محدودیت‌های قانونی صورت گیرد.

دفاع مشروع در حقوق داخلی و بین‌الملل، با وجود مفاهیم نزدیک به هم، تفاوت‌هایی نیز دارند. در حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع به معنای متوسل شدن یک کشور به زور برای دفع تجاوز مسلحانه و عقب راندن متجاوز است. این دفاع می‌تواند به صورت فردی یا جمعی باشد و مفهوم آن از ماده ۵۱ منشور ملل متحد استنباط می‌شود. (علیخانی، ۱۳۹۴، صص ۲۵-۲۶) «اگر حمله مسلحانه‌ای علیه یکی از اعضای سازمان ملل صورت پذیرد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع اعم از فردی یا جمعی لطمه نخواهد زد. اعضا باید اقداماتی را که در مقام دفاع مشروع به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند.» یعنی در صورتی که حمله مسلحانه‌ای صورت گرفته باشد، دفاع مشروع مجاز است و ماده ۵۱ منشور دفاع مشروع را صرفاً در این مورد می‌پذیرد. لذا دفاع مشروع به وضعیتی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، به کشور مورد تجاوز حق می‌دهد تا به فوریت در مقام تهاجم مسلحانه کشور یا کشورهای دیگر با هر وسیله ممکن (با رعایت شروط)، متوسل به زور شده و با دفاع از خود، دشمن تجاوزگر را سرکوب کند که این دفاع می‌تواند فردی یا جمعی باشد. (بیگدلی، ۱۳۹۴، ص ۵۴۴)

در حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع انواع مختلفی دارد:

۱-۱- دفاع مشروع انفرادی (دفاع از خود)

باتوجه به این‌که تجاوز، به مفهوم زیرپا گذاشتن حقوق حقه و ابتدایی قربانی است، بنابراین، در صورتی که قربانی در مقام دفاع، متوسل به قوه قهریه شود، در استقرار حق کوشیده است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد این مسأله را طرح و حدود آن را بیان کرده است:

«در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی و خواه جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسؤولیتی که شورای امنیت طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و هر موقعی که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیر نخواهد داشت. (شریفی طرازکوهی، مهرانی، ۱۳۹۱، ص ۸)

در واقع مطابق این بند، منشور نه تنها به یک حق موجود احترام می‌گذارد بلکه آن را برای دولت‌ها تحکیم و تثبیت می‌نماید. باید توجه داشت که این ماده محدودیت‌هایی را در بطن خود دارد. از جمله این‌که دفاع مشروع فقط باید برای دفع تجاوز باشد و نباید از این حد پا فراتر گذاشته شود. ایالات متحده آمریکا و دولت ویتنام جنوبی، دفاع در برابر نفوذ تدریجی واحدهای ویتنام شمالی و ویت کنگ را و اسرائیل نسبت به تهاجماتش به اردوگاه‌های فلسطینی‌ها در جنوب لبنان به بهانه حمایت فعالانه لبنان از اقدامات تروریست‌ها و گروه‌های چریکی در خاک خود، از چنین تفسیر موسعی از دفاع مشروع از خود، سعی بر توجیه اقدامات خود کردند. این توجیهات مورد تأیید جامعه جهانی قرار نگرفته و نمی‌توان نتیجه گرفت که یک قاعده عرفی در زمینه دفاع مشروع شکل گرفته است. (حیدری، ۱۳۷۶، ص ۷۶)

۲-۱. دفاع مشروع جمعی (امنیت دسته جمعی)

طرح مفهوم دفاع مشروع جمعی، تأکیدی است بر این که بهترین راه، برای حل معضل امنیت دولت‌ها، خودیاری ملی و موازنه قدرت نیست، بلکه ایجاد تعهدات مشترکی است که از طریق آن هردولتی متقبل می‌شود در اقدامات مشترک علیه دولت‌هایی که تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دیگران را مورد تهدید قرار می‌دهند، مشارکت کند. (اکنل، ۱۳۸۲، ص ۸۲)

این اصل، یک اصل اجتماعی است که مطابق آن، در صورت وقوع حمله مسلحانه یک دولت به سرزمین دولت دیگر، در صورت اعلام رضایت قبلی کشور مورد تجاوز نسبت به کمک سایرین، با اعلام درخواست صریح نسبت به کمک، سایر کشورها می‌توانند به کمک قربانی تجاوز شتافته، با توسل به زور به دفع تجاوز، بپردازند. (زمانی، ۱۳۷۴، ص ۳۸)

به عبارت دیگر، یک کشور نمی‌تواند، نسبت به کشوری دیگر که به کشور ثالثی تجاوز کرده است، به زور متوسل شود، مگر این که کشور مورد تجاوز این درخواست را بنماید یا رضایت قبلی‌اش را به صورت رسمی اعلام کرده باشد. این دفاع جمعی، مشروط است به عدم دخالت شورای امنیت و تا زمان قطع تجاوز می‌تواند ادامه پیدا کند. (محمدعلی پور، ۱۳۷۹، ص ۲۳)

۲. مفهوم دفاع پیشگیرانه

قبل از ورود به تعریف مفهوم دفاع مشروع پیشگیرانه، باید خاطر نشان شود که اتفاق نظر در خصوص کاربرد اصطلاحات در این زمینه وجود ندارد. معنای پذیرفته شده اصطلاح «دفاع بازدارنده»، دفاع علیه یک «حمله قریب‌الوقوع» است. با توجه به این که دفاع بازدارنده، ماهیتاً «پیشدستانه» می‌باشد، از این رو، این دو اصطلاح اغلب به جای یک‌دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. آن چه وضعیت را مبهم‌تر نموده، سند استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۰۲ م. ایالات متحده آمریکا بود که به وضوح قصد داشت مفهوم سنتی دفاع بازدارنده را با شمول آن علیه تهدیدات غیرفوری، توسعه دهد. با توجه به اصطلاحات و واژه‌های مورد استفاده در سند مذکور، بسیاری از مفسران وضعیت مورد بحث را «دفاع پیشدستانه» یا حتی «دکترین بوش» نامیده‌اند. برخی نیز بر این عقیده‌اند که سند مذکور معرف دکترین «دفاع پیشگیرانه» است. هیأت عالی رتبه منصوب دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد نیز در گزارش خود از اصطلاح پیشگیرانه برای توصیف توسل به زور علیه یک تهدید غیرفوری استفاده کرد. (هرسیچ، ۱۳۸۰، ص ۱۹)

اصطلاح دفاع بازدارنده، اصطلاحی شناخته شده است و از دیرباز به منظور توصیف مفهوم دفاع علیه حمله‌ای فوری استفاده شده است و باید به همین منظور مورد استفاده واقع شود. ضمناً توصیف چنین مفهومی از دفاع با عنوان دفاع پیشدستانه بلامانع است. بنابراین، تنها اصطلاحی که می‌توان برای توصیف توسل به زور علیه یک تهدید غیرفوری به کاربرد، دفاع پیشگیرانه است. (پیمانی، ۱۳۵۷، ص ۱۱۲)

دفاع پیشگیرانه به وضعیتی گفته می‌شود که کشوری با وجود قرینه‌ای مبنی بر احتمال وقوع یک تهدید یا تجاوز قریب‌الوقوع، علیه کشور دیگر یا اهدافی در آن کشور متوسل به قوه قهریه می‌شود. (جلابی، محمود، ۱۳۹۷، ص ۵۵) به عبارت دیگر، اصطلاح دفاع پیشگیرانه اشاره به توسل به زور دولتی جهت جلوگیری دولت دیگر از ادامه‌ی تهدیدی است که فوری نبوده و به لحاظ زمانی دورتر

می‌باشد؛ (ریبب، ۱۳۹۴، ص ۳۶) با وجود این تفاوت مفهومی، در این نوشتار دفاع پیشگیرانه به دفاع یک دولت در برابر تهدید قریب‌الوقوع حمله به کار برده می‌شود.

۳. شرایط دفاع مشروع

دفاع مشروع دارای شرایط و ارکانی است که بررسی می‌گردد:

۳-۱. ضرورت

اولین شرط اعمال دفاع مشروع این است که به دلیل نبود هیچ نوع جایگزین دیگری، لزوماً در برابر زور باید به کار برده شود. گاه در شرایط خاصی ممکن است که امکان توسل به راه‌های دیگر، زمان زیادی را طلب کند و در این فرصت مهاجم از ثمرات تجاوز خود بهره‌مند شده باشد و یا زمانی که جان اتباع دولت مورد تجاوز در معرض خطر است و لزوماً باید فوراً اقدام گردد. بدیهی است که هر گونه ارزیابی نادرست از شرایط می‌تواند به وقوع تجاوز جدید منجر گردد. (شفیعی، ۱۳۷۵، صص ۳۸۲-۳۸۳)

۳-۲. تناسب از جهت کیفیت

دفاع بایستی متناسب با خطر و معقول باشد، معمولاً استعمال هر سلاحی در مقابل تهاجم تا حدودی که برای دفاع ضروری باشد مجاز است؛ ولیکن استعمال سلاح اتمی در مقابل حمله مسلحانه‌ای که با سلاح‌های معمولی صورت گیرد غیر متناسب است؛ زیرا، قدرت سلاح‌های اتمی با سلاح‌های معمولی متناسب نیست. اقدامات دفاعی از نظر کمیت نیز نبایستی بیش از حدی باشد که برای دفع حمله یا از بین بردن حمله ضرورت است. بایستی پس از رفع احتیاجات دفاعی قطع شود؛ مثلاً چنانچه حمله به وسیله کشتی و هواپیما به قلمرو یک کشور صورت گیرد، تناسب ایجاد می‌کند که به کشتی‌ها و هواپیماهای متجاوز، حمله متقابل شود. معهذاً در صورت تکرار حمله، آن هم با سوء نیت، ممکن است اقدامات دفاعی را به نحوی مجاز سازد که شامل پایگاه‌های کشوری که هواپیماها و کشتی‌ها تجاوز را از آن‌جا اعمال می‌کنند، بشود. (اثنی عشری، ۱۳۷۹، ص ۴۰)

۳-۳. دخالت شورای امنیت، سازمان ملل متحد

باتوجه به ماده ۵۱ منشور ملل متحد که مقرر می‌دارد: «...در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌الملل به عمل آورد». می‌توان گفت که حق دفاع مشروع، تا موقعی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌الملل به عمل آورد، مجاز می‌باشد؛ بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که وقتی شورای امنیت، اقدامات لازم را برای حفظ و تأمین صلح بین‌المللی اتخاذ کند، تعهد حقوقی برای موقوف کردن دفاع فردی و جمعی وجود دارد.

باید گفت صرف اتخاذ تصمیم از طرف شورای امنیت، حق دفاع مشروع را منتفی نساخته و اقدامات متخذه از طرف شورا باید کفایت خود را ظاهر سازد و باعث دفع تجاوز گردد؛ چون وجود تجاوز یا آثار ناشی از آن مانند باقی ماندن بخشی از اراضی مورد تصرف در دست متجاوز، مانعی خواهد بود برای وجود صلح و

امنیت بین‌المللی. دولتی که مورد تجاوز قرار گرفته است، تلاش می‌کند تا سرزمین خود را باز پس گیرد و این تلاش صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره خواهد انداخت. (خسروی، ۱۳۷۳، صص ۱۰۰-۱۰۲)

در صورتی که شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل به علت عدم حصول رأی کافی یا به جهت برخورد با وتو از دخالت در یک واقعه نظامی اجتناب ورزد، حق دفاع مشروع تنها با رعایت حدودی که حقوق بین‌الملل عمومی و مفاده ماده ۵۱ آن را تعیین و مشخص ساخته است، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. همچنین دولت یا دولت‌های استفاده کننده از حق دفاع مشروع بایستی به موجب مفاد ماده ۵۱ اقداماتی را که در استفاده از حق دفاع مشروع به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند، تا در صورت لزوم در شورای امنیت صحت استفاده از حق دفاع مشروع مورد بررسی قرار گیرد. (نادری، ۱۳۵۱، ص ۹۲)

به جز شورای امنیت، مجمع عمومی با توجه به قطعنامه اتحاد برای صلح، اختیار دارد در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی توصیه کند. این اختیار مجمع عمومی توسط دادگاه دادگستری بین‌المللی در رأی مربوط به هزینه‌های ملل متحد، مورد تأیید قرار گرفته است. البته اختیار مجمع عمومی جنبه «توصیه‌ای» دارد و نمی‌تواند مانند شورای امنیت تصمیم الزام آور در مورد کاربرد زور اتخاذ کند. مجمع عمومی توانسته است در امر حفظ صلح نقش مهمی به عهده گیرد. (مقتدر، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱)

مبانی نظری دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل

دفاع مشروع پیشگیرانه یکی از موضوعات پیچیده و بحث‌برانگیز در حقوق بین‌الملل است که در طول تاریخ مورد بحث و تفسیرهای مختلف قرار گرفته است. در این جا به بررسی نظریه‌هایی می‌پردازیم که چهارچوب دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل را مشخص می‌کنند. چهار مبانی نظری در این زمینه مطرح است:

۱. مبانی اجبار معنوی

این نظریه بر قوانین داخلی استوار است و بیان می‌کند که فردی که مرتکب یک اقدام مجرمانه می‌شود، اگر این اقدام در راستای دفاع از خود باشد، مسؤولیت کیفری نخواهد داشت. اما این دفاع تنها زمانی پذیرفته است که فرد تحت فشار روانی شدید ناشی از ترس از آسیب جسمی یا تجاوز قرار داشته باشد. (رائد الحلو، ۲۰۰۶، ص ۲۱) برخی از حقوقدانان معتقدند که این اصل را می‌توان در حقوق بین‌الملل نیز اعمال کرد، زیرا کشوری که در معرض تهدیدی جدی قرار دارد، ممکن است احساس کند که چاره‌ای جز پیشگیری از این تهدید ندارد. اما این نظریه نمی‌تواند مبانی معتبری برای دفاع پیشگیرانه باشد، بویژه در مواردی که تهدید تنها جنبه اقتصادی دارد، نه نظامی. بنابراین، این نظریه به تنهایی برای توجیه دفاع پیشگیرانه کافی نیست و نمی‌توان آن را مبانی اصلی این حق در حقوق بین‌الملل دانست. (رانا، عطالله، ۲۰۰۹، ص ۹۰)

۲. نظریه مصلحت برتر تحت حمایت

این نظریه حق دفاع مشروع را بر اساس وجود مصلحت جدیدی تحت حمایت توجیه می‌کند که به نفع مدافع در برابر تجاوز یا حمله دیگران در نظر گرفته شده است. این مصلحت که در حقوق بین‌الملل تثبیت شده، با مصالح مقرر در حقوق داخلی مطابقت دارد. این حق در بسیاری از قوانین کشورهای جهان به

رسمیت شناخته شده است، به گونه‌ای که افراد نه تنها مجازند از خود دفاع کنند، بلکه می‌توانند از اعضای خانواده یا دیگران نیز دفاع کنند.

دکتور محمد محمود خلف می‌گوید: «اما بر اساس حق دفاع مشروع، آن چه که قابل پذیرش در تمام نظام‌های حقوق داخلی است، این است که اساس این حق، مصلحت برتر تحت حمایت است.» بنابراین، همان طوری که حق دفاع مشروع برای افراد در حقوق داخلی مقرر شده، در حقوق بین‌الملل نیز برای دولت‌ها پذیرفته شده است. اما در این جا یک نکته مهم وجود دارد: دفاع مشروع فقط در صورتی صحیح تلقی می‌شود که توسط خود شخص مورد تجاوز انجام شود، نه شخص دیگر. بر این اساس، حقوق بین‌الملل نیز مصلحت دولت مورد تجاوز را به عنوان مصلحت برتر تلقی می‌کند که تحت حمایت قرار داده. این اولویت، اهمیت اجرای عدالت را در نظر می‌گیرد، زیرا ممکن است دولت مورد تجاوز بتواند به طور مستقل به حمله‌ای که متوجه منافع قانونی آن است پاسخ دهد، به‌خصوص زمانی که نهادهای امنیت جمعی قادر به انجام این وظیفه در لحظه وقوع تجاوز نباشند. (راتب، عایشه، ۱۹۶۹، ص ۸۰)

۳. نظریه وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

این نظریه بر این باور است که حق دفاع مشروع ناشی از وظیفه دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. مبنای این نظریه بر این اصل استوار است که دفاع مشروع یک حق قانونی است که در چارچوب تعهدات بین‌المللی دولت‌ها برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار دارد. بر این اساس، دفاع مشروع، بویژه در سطح بین‌المللی، باید مطابق با منافع عمومی باشد.

در نهایت، این نظریه بین دفاع مشروع داخلی و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل تفاوت قائل می‌شود. همچنین، این نظریه ممکن است منجر به استفاده بیش از حد از قدرت توسط کشورهای قدرتمند به بهانه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شود، که با واقعیت‌های کنونی مغایرت دارد. به همین دلیل، برخی پژوهشگران معتقدند که این نظریه برای توجیه دفاع پیشگیرانه مناسب نیست، زیرا در حقوق بین‌الملل مفهوم دفاع پیشگیرانه به طور مستقل وجود ندارد.

با این حال، برخی از محققان مانند بوات معتقدند که این نظریه به‌عنوان یک استدلال پذیرفته می‌شود، زیرا هدف آن دستیابی به صلح است. اما از سوی دیگر، برخی دیگر آن را فاقد اعتبار می‌دانند، زیرا به‌جای جلوگیری از جنگ، وقوع آن را تسریع می‌کند. این نظریه همچنین در تعارض با اصولی است که جنگ‌های پیشگیرانه را منع می‌کنند. بنابراین، بسیاری از پژوهشگران این نظریه را به‌عنوان توجیهی برای مشروعیت استفاده از زور رد می‌کنند. (محمود خلف، محمد، ۱۹۷۴، ص ۱۶۸)

۴. نظریه مصلحت عمومی یا مشترک

این نظریه تأکید می‌کند که دفاع مشروع نه تنها حق فردی، بلکه حق جمعی است که برای حفظ صلح و امنیت جهانی ضروری است. این نظریه با محدودیت‌هایی همراه است و برخی محققان آن را به‌طور کامل شفاف نمی‌دانند، زیرا دفاع مشروع را بر اساس مفهوم گسترده‌ای از امنیت و صلح بین‌المللی توجیه می‌کند.

در حالی که حفظ صلح یک تعهد کلی است، اما نمی‌توان آن را دلیل قطعی برای استفاده از زور دانست. (رمضان، عبدالعزیز، ۲۰۱۱، ص ۱۸)

بررسی نظریه‌های موافقان و مخالفان مشروعیت دفاع پیشگیرانه

۱. موافقان دفاع پیشگیرانه

دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل به معنای اقدام پیش از وقوع یک تهدید یا حمله است که به منظور حفاظت از امنیت و تمامیت سرزمینی کشور صورت می‌گیرد. یکی از دلایل اصلی دفاع مشروع پیشگیرانه، حفظ امنیت و تمامیت سرزمینی کشور است. زمانی که کشوری با تهدید فوری از سوی کشور دیگری مواجه می‌شود و این تهدید به‌طور مشخص و آشکار باشد، آن کشور می‌تواند برای جلوگیری از وقوع حمله یا آسیب‌های احتمالی، اقدام پیشگیرانه انجام دهد. دلیل دیگر برای دفاع پیشگیرانه، حفظ و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی است. اگر یک کشور به‌طور مستقیم با تهدید حمله مواجه شود، می‌تواند برای جلوگیری از گسترش و وقوع جنگ و بحران‌های بزرگ‌تر، اقداماتی پیشگیرانه انجام دهد. همچنین، اصول خودداری از جنگ و احترام به حاکمیت کشورهای دیگر، گاهی باعث می‌شود که یک کشور برای جلوگیری از نقض این اصول و به‌منظور حفظ نظم بین‌المللی، اقدام پیشگیرانه را در دستور کار خود قرار دهد.

در نهایت، دفاع مشروع پیشگیرانه بر اساس نیاز به حفظ منافع ملی و حفاظت از شهروندان نیز به‌طور گسترده‌ای مطرح می‌شود. هر کشوری حق دارد که از خود در برابر تهدیدات فوری و جدی دفاع کند تا از آسیب‌های احتمالی به شهروندان و زیرساخت‌های خود جلوگیری کند و یا تهدیدات جدید و نوظهور، مانند تروریسم بین‌المللی و سلاح‌های کشتار جمعی، تفسیر سنتی از ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد ناکافی است. آن‌ها بر این باورند که کشورها باید حق داشته باشند برای جلوگیری از حملات قریب‌الوقوع اقدام کنند. (حسینی زندآباد، ۱۳۹۷، ص ۷۸)

استفاده از زور در حقوق بین‌الملل مدت‌هاست که موضوع بحث‌های جدی بوده است، بویژه در پرتو ساختار و مفاد مندرج در منشور سازمان ملل متحد. یکی از عناصر کلیدی این بحث، حق دفاع از خود بر اساس ماده ۵۱ است که به عنوان استثنای اصلی بر ممنوعیت استفاده از زور در منشور مطرح شده است. جنجال‌های پیرامون این حق، کاربرد آن و تکامل آن در عمل دولتی، چالش‌های مهمی در اصول حقوقی بین‌المللی و تأثیرات آن در دنیای واقعی نمایان می‌کند

از زمان تأسیس سازمان ملل، سیستم امنیت جمعی که بنیان‌گذاران آن برای آن در نظر گرفته بودند، عملاً تأثیر چندانی نداشته است. علیرغم اهداف سازمان ملل برای کاهش استفاده یک‌جانبه از زور، عمل حقوقی بین‌المللی پس از ۱۹۴۵ م. همچنان تحت سلطه استفاده از زور توسط دولت‌ها به‌طور مستقل بوده است. حق دفاع از خود، طبق ماده ۵۱، به نقطه محوری در مناقشات مربوط به قانونی بودن استفاده از زور تبدیل شده است، بویژه که این استثنا تنها استثنای معنادار بر ممنوعیت ماده ۲ (۴) منشور سازمان ملل است. این استثنا به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که در پاسخ به یک حمله مسلحانه از زور استفاده کنند (رابرتز، ۱۹۷۸، صص ۲۷۳-۷۴)

بسیاری از کشورهای جامعه بین‌المللی مدت‌ها پیش این حقیقت را در زمینه‌های متعارف‌تر به رسمیت شناخته و استفاده از حق ذاتی دفاع از خود در ماده ۵۱ را گسترش دادند تا شامل دکترین «دفاع پیشدستانه» شود. این دکترین استفاده از زور پیشگیرانه نیازی به انتظار برای وقوع حمله مسلحانه ندارد؛ بلکه کشور می‌تواند از حق ذاتی خود برای استفاده از زور به منظور دفاع از خود پیش از وقوع حمله استفاده کند. گرچه این دکترین جنجالی است، اما اسرائیل حمله خود به کشورهای عربی در سال ۱۹۶۷ را به عنوان «دفاع پیشدستانه» توجیه کرد (پاکت، لاوتر، ۱۹۵۲، ص ۳۸۲)

تفاسیر مختلف ماده ۵۱

در حالی که طراحان منشور سازمان ملل قصد داشتند که استفاده از زور در چارچوب دفاع از خود محدود باشد، عمل دولتی با تفاسیر محافظه‌کارانه از ماده ۵۱ هم‌راستا نبوده است. تفسیرهای اولیه نشان می‌دادند که دفاع از خود تنها زمانی می‌تواند به کار رود که یک تجاوز نظامی آشکار و گسترده وجود داشته باشد که مرزهای بین‌المللی را عبور کند. این تفسیر به‌طور معمول «حمله مسلحانه» را به عنوان یک تجاوز منظم و مستمر می‌دید که معمولاً با حرکت ارتش‌ها از مرزها و هدف‌گذاری فوری برای تصرف اراضی همراه است. با این حال، در عمل، «حملات» مدرن اغلب با این الگوی سنتی تطابق ندارند. یک نگاه اولیه به ماده ۵۱، بویژه در زمینه هدف منشور در جلوگیری از نه تنها جنگ بلکه هرگونه استفاده یا تهدید استفاده از زور، اولین تصور را ایجاد می‌کند که اتکا به آن محدود به شرایط نادر است. با این حال، نویسندگان منشور در انتخاب زبان آن پیش‌بینی زیادی داشتند، به طوری که تهدیدات جدی که موجب حق دفاع می‌شوند را تأکید می‌کنند و در عین حال پاسخ‌های لازم برای اعمال این حق در مواجهه با شرایط و تهدیدات غیرمعمول را مجاز می‌دانند. (بووت، ۱۹۷۲، ص ۱)

۲. مخالفان دفاع پیشگیرانه

مخالفان دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل استدلال‌های متعددی دارند که بیشتر بر اساس اصول و مقررات موجود در حقوق بین‌الملل و حفظ صلح و امنیت جهانی استوار است. یکی از مهم‌ترین اعتراضات به این نوع دفاع، نقض اصول بنیادی حقوق بین‌الملل، بویژه اصل عدم مداخله و حاکمیت ملی است. به گفته مخالفان، اقدام پیشگیرانه می‌تواند به بهانه‌های مختلفی به نقض حاکمیت کشورها منجر شود و بر اساس هیچ تهدید مشخص و قطعی، کشورها را به حمله و اقدام نظامی وا دارد. اعتراض دیگری که مطرح می‌شود، این است که دفاع مشروع پیشگیرانه ممکن است به تفسیرهای مختلفی از "تهدید فوری" منجر شود و هر کشور به راحتی می‌تواند از آن به عنوان توجیهی برای اقدام نظامی علیه کشورهای دیگر استفاده کند. این امر می‌تواند به گسترش جنگ‌ها و بحران‌های جهانی دامن بزند، بویژه زمانی که تهدیدات واقعی یا مستقیم هنوز به‌طور کامل مشخص نشده‌اند.

اصالت متن منشور سازمان ملل

مخالفان دفاع پیشگیرانه معتقدند که ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد به وضوح به دفاع مشروع پس از وقوع حمله اشاره می‌کند و تفسیر گسترده‌تر از این ماده غیرموجه است. آن‌ها بر این باورند که هرگونه اقدام پیشگیرانه باید توسط شورای امنیت تأیید شود.

حمله به عراق (۲۰۰۳ م.)

حمله ایالات متحده به عراق به عنوان دفاع پیشگیرانه توجیه شد، اما بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی این اقدام را محکوم کردند و آن را نقض حقوق بین‌الملل دانستند. (ظریف، ۱۳۹۱، ص ۷۶)

مهم‌ترین موارد استناد دولت به دفاع مشروع پیشگیرانه

در این جا به سه نمونه از استناد دولت‌ها به دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل می‌پردازیم که عبارتند از: حمله اسرائیل به عراق، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و حمله روسیه به اوکراین.

۱. استناد به دفاع مشروع در حمله اسرائیل به عراق (۱۹۸۱ م.)

حمله اسرائیل به راکتور هسته‌ای اوسیراک در عراق در سال ۱۹۸۱ م. یکی از موارد برجسته و در عین حال بحث‌برانگیز در زمینه دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. این عملیات که با نام «عملیات اُپرا» شناخته می‌شود، به‌عنوان اقدامی پیشگیرانه به‌منظور جلوگیری از توسعه سلاح‌های هسته‌ای توسط عراق صورت گرفت.

در دهه ۱۹۷۰ م. عراق با همکاری فرانسه در حال ساخت یک راکتور هسته‌ای در تأسیسات اوسیراک (تموز ۱) بود. اسرائیل نگران بود که این راکتور ممکن است برای تولید سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد و تهدید جدی برای امنیت ملی این کشور ایجاد کند. بر پایه اطلاعات موجود، اسرائیل بر این باور بود که عراق به‌زودی توانایی تولید سلاح هسته‌ای را به‌دست خواهد آورد.

این رویداد موجب شکل‌گیری مباحث گسترده حقوقی و اخلاقی درباره مشروعیت استفاده پیشدستانه از زور در حقوق بین‌الملل شد، بویژه در شرایطی که هنوز حمله‌ای مسلحانه به وقوع نپیوسته است.

در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ م. نیروی هوایی اسرائیل با استفاده از هواپیماهای جنگنده، به راکتور اوسیراک حمله کرد و آن را تخریب کرد. این حمله بدون اطلاع قبلی به عراق یا جامعه بین‌المللی انجام شد و به عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از دستیابی عراق به سلاح‌های هسته‌ای توجیه شد. (لوو، ۱۳۸۳، ص ۵۶)

۱-۱- ادعای اسرائیل به عنوان دفاع پیشگیرانه

اسرائیل پس از حمله به اوسیراک، این اقدام را به عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه توجیه کرد. استدلال اصلی اسرائیل این بود که:

- **تهدید قریب‌الوقوع:** اسرائیل معتقد بود که عراق به زودی قادر به تولید سلاح‌های هسته‌ای خواهد بود و این تهدیدی قریب‌الوقوع برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شد.

- **ضرورت:** اسرائیل استدلال کرد که هیچ راه حل دیگری برای دفع این تهدید وجود نداشت و استفاده از زور تنها راه ممکن بود.

- **تناسب:** حمله به راکتور اوسیراک به عنوان یک اقدام محدود و متناسب با هدف جلوگیری از توسعه سلاح‌های هسته‌ای عراق انجام شد.

۲-۱. واکنش‌های بین‌المللی دولت‌ها و حقوق‌دانان

واکنش‌های بین‌المللی به حمله اسرائیل متفاوت بود. برخی کشورها این اقدام را محکوم کردند و آن را نقض حقوق بین‌الملل دانستند. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۸۷ این حمله را محکوم کرد و از اسرائیل خواست تا از تکرار چنین اقدامات خودداری کند. این قطعنامه همچنین خواستار توقف برنامه هسته‌ای عراق تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) شد. (لوو، ۱۳۸۳، ص ۴۹)

دیدگاه‌های حقوقی در این زمینه را چنین می‌توان بیان داشت که نظریه‌پردازان حقوق بین‌الملل دیدگاه‌های متفاوتی در مورد مشروعیت حمله اسرائیل به اوسیراک دارند:

- **موافقان:** برخی معتقدند که اسرائیل حق داشت از خود در برابر تهدید قریب‌الوقوع دفاع کند و این اقدام به عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه قابل توجیه است. آن‌ها به دکترین کارولین و اصول ضرورت و تناسب استناد می‌کنند.

- **مخالفان:** بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که حمله اسرائیل به اوسیراک با اصول منشور سازمان ملل و قواعد حقوق بین‌الملل مغایرت داشت. آن‌ها استدلال می‌کنند که تهدید عراق قریب‌الوقوع نبود و اسرائیل می‌توانست از راه‌های دیپلماتیک و نظارت بین‌المللی برای حل مسأله استفاده کند.

بنابراین، حمله اسرائیل به راکتور اوسیراک در عراق در سال ۱۹۸۱ به عنوان یکی از نمونه‌های برجسته دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل مطرح است. این حمله با استناد به تهدید قریب‌الوقوع و ضرورت دفاع از امنیت ملی اسرائیل انجام شد. با این حال، واکنش‌های بین‌المللی و دیدگاه‌های حقوقی متضاد نشان‌دهنده پیچیدگی و بحث‌برانگیز بودن مفهوم دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل است. برای مشروعیت بخشیدن به چنین اقداماتی، رعایت معیارهای تهدید قریب‌الوقوع، ضرورت و تناسب ضروری است. (تارونیه، ۱۳۸۵، صص ۳۵-۴۵)

۲. جنگ شش روزه (۱۹۶۷م.) اعراب و اسرائیل و دفاع پیشگیرانه اسرائیل

۲-۱. شرح ماجرا

اسرائیل در بامداد پنجم جون ۱۹۶۷م. با امواج حملات بمب افکن‌های خود و نابود کردن فرودگاه‌ها و تقریباً کل نیروی هوایی مصر بر روی زمین آغاز نمود. نیم ساعت پس از حملات نیروی هوایی، نیروی زمینی اسرائیل نیز تهاجم گسترده‌ای را علیه مواضع مصری‌ها در نوار غزه و شبه جزیره‌ای سینا آغاز نمود و به ساحل شرقی کانال سوئز رسید. هم زمان با حمله به مصر، اسرائیل اتهام جعلی تجاوز را علیه مصر وارد و خود را به عنوان قربانی آن مطرح کرد. نماینده‌ی دائم اسرائیل در سازمان ملل متحد در جلسه‌ای شورای امنیت اظهار کرد: «در ساعات اولیه بامداد امروز، ستون‌های زرهی مصر تهاجم خود را به مرزهای

اسرائیل آغاز کردند. توپخانه‌ی مصر مستقر در نوار غزه روستاهای اسرائیل را هدف گلوله باران قرار دادند. نیروهای اسرائیل نیز بناچار و براساس ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد در زمین و هوا به مقابله با ارتش مصر اقدام کردند» (UN 1967).

۲-۲. دلایل استنادی دولت اسرائیل به دفاع مشروع پیشگیرانه

پس از اتمام جنگ، نماینده اسرائیل در جلسه‌ی شورای امنیت ادعا کرد: «...دولت قربانی تجاوز یعنی اسرائیل، به موجب حق خود براساس ماده‌ی ۵۱ منشور و با موفقیت از خود دفاع کرد». دولت اسرائیل به دلایل ذیل جهت اثبات دفاع مشروع ارائه نمود:

۱. تجمع نیروهای نظامی مصر در صحرای سینا: اسرائیل اعلام کرد که حضور گسترده نیروهای نظامی مصر در نزدیکی مرزهای این کشور، تهدیدی قریب‌الوقوع برای موجودیت اسرائیل بوده است.
 ۲. بسته شدن تنگه تیران: مصر به رهبری جمال عبدالناصر، تنگه تیران را به روی کشتیرانی اسرائیل بست که این اقدام به عنوان یک عمل تجاوزکارانه تلقی شد.
 ۳. تحرکات و اظهارات خصمانه رهبران عرب: اظهارات جنگ‌طلبانه و اتحاد نظامی بین کشورهای عربی علیه اسرائیل به نگرانی‌های امنیتی این کشور افزود.
- اسرائیل استدلال کرد که تمامی این تحرکات نشان‌دهنده یک تهدید قریب‌الوقوع و غیرقابل اجتناب بوده است. بر اساس اصول دکترین کارولین، دفاع مشروع پیشگیرانه تنها زمانی مجاز است که تهدید فوری، قطعی و بدون جایگزین باشد. اسرائیل مدعی بود که در این شرایط هیچ گزینه دیگری جز اقدام نظامی باقی نمانده بود.

۲-۳. عدم تأیید دولت‌های دیگر

با وجود ادعاهای اسرائیل، بسیاری از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی اقدام این کشور را به عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه تأیید نکردند. دلایل اصلی این عدم تأیید عبارتند از:

۲-۳-۱. عدم وجود تهدید قریب‌الوقوع:

براساس اصول حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع پیشگیرانه تنها زمانی مجاز است که تهدیدی فوری و اجتناب‌ناپذیر وجود داشته باشد. بسیاری از دولت‌ها استدلال کردند که برنامه هسته‌ای عراق هنوز در مراحل ابتدایی بود و تهدید ناشی از آن به مرحله قریب‌الوقوع نرسیده بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۸۷ به صراحت اعلام کرد که حمله اسرائیل ناقض اصول منشور ملل متحد است.

۲-۳-۲. توسل به زور به عنوان آخرین راهکار:

یکی از اصول کلیدی دفاع مشروع این است که تمامی گزینه‌های دیگر باید پیش از توسل به زور امتحان شده باشند. مخالفان این حمله اظهار داشتند که اسرائیل بدون استفاده کامل از راهکارهای دیپلماتیک یا اقتصادی، اقدام به حمله نظامی کرد و این امر با اصل ضرورت و تناسب مغایرت داشت.

۳-۳-۲. نقض حاکمیت ملی:

حمله اسرائیل به خاک عراق به عنوان نقض آشکار حاکمیت ملی این کشور تلقی شد. حقوق بین‌الملل به شدت بر احترام به حاکمیت کشورها تأکید دارد و اقدام اسرائیل از دیدگاه بسیاری از کشورها، تهدیدی برای نظم و امنیت بین‌المللی بود.

۳-۳-۲. ایجاد یک رویه خطرناک در حقوق بین‌الملل:

منتقدان همچنین هشدار دادند که پذیرش حمله اسرائیل به عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه می‌تواند به عنوان یک سابقه خطرناک عمل کند و منجر به بی‌ثباتی گسترده در نظام بین‌الملل خواهد شد.

۳-۳-۵. عدم شفافیت در شواهد:

بسیاری از کشورها که بتوانند بر اساس برداشت خود از تهدید بالقوه اقدام به حمله نظامی کنند، این امر منجر به تفسیر متفاوت از شواهد شده که بر اساس همین امر تعدادی از کشورها معتقد بودند که اسرائیل شواهد کافی برای اثبات تهدید قریب‌الوقوع از سوی عراق ارائه نکرد. به همین دلیل، مشروعیت حمله زیر سؤال رفت و بسیاری از دولت‌ها این اقدام را غیرقانونی دانستند.

۳-۳-۶. واکنش‌ها نسبت به جنگ شش روزه ۱۹۶۷ م.**۳-۳-۶-۱. قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل - ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ م.**

قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت، که در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ م. به تصویب رسید، یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌های مربوط به مناقشه عربی-اسرائیلی محسوب می‌شود. این قطعنامه، اصل «زمین در برابر صلح» را به عنوان مبنای حل این مناقشه تعیین کرد. این قطعنامه پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ م. صادر شد، جنگی که در پی آن اسرائیل سرزمین‌های عربی از جمله کرانه باختری، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان را اشغال کرد.

۳-۳-۶-۲. مهم‌ترین مفاد قطعنامه:

۱. غیرقانونی بودن تصرف سرزمین‌ها از طریق جنگ و لزوم تلاش برای دستیابی به صلحی عادلانه و پایدار.
۲. عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از "سرزمین‌های اشغالی" (بدون تصریح بر خروج از تمامی این مناطق).
۳. پایان دادن به تمامی وضعیت‌های جنگی و به رسمیت شناختن حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورهای منطقه.
۴. یافتن راه‌حلی عادلانه برای مسئله آوارگان فلسطینی.
۵. تعیین نماینده ویژه سازمان ملل برای میانجیگری در جهت دستیابی به یک راه‌حل صلح‌آمیز. (خوری و دیگران، قطعنامه شورای امنیت ۲۴۲)

۷-۳-۲ ابهامات تفسیری

در نسخه انگلیسی قطعنامه، عبارت "withdrawal from occupied territories" بدون استفاده از "the" آمده است، که برخی حامیان اسرائیل آن را این گونه تفسیر کرده‌اند که اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی از تمامی سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ م. نیست. اما در نسخه فرانسوی، عبارت "des territoires occupés" ذکر شده که به معنای ضرورت خروج از کل سرزمین‌های اشغالی است.

۸-۳-۲. اجرای قطعنامه:

در جبهه مصر: اسرائیل طبق پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ م. از صحرای سینا خارج شد. در جبهه فلسطین: اسرائیل همچنان از اجرای کامل آن خودداری می‌کند، با این که سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) در سال ۱۹۸۸ م. این قطعنامه را به‌عنوان مبنای مذاکرات پذیرفت. در جبهه سوریه: قطعنامه اجرا نشده و اسرائیل همچنان بلندی‌های جولان را اشغال کرده است.

مواضع طرف‌های درگیر:

اسرائیل به‌طور رسمی این قطعنامه را پذیرفت، اما همزمان با ادامه شهرک‌سازی‌ها و الحاق قدس، از اجرای کامل آن سر باز زده است. کشورهای عربی پس از مدتی این قطعنامه را به‌عنوان چارچوبی برای حل مناقشه پذیرفتند، اما تاکنون به عقب‌نشینی کامل اسرائیل منجر نشده است. سازمان آزادی‌بخش فلسطین ابتدا این قطعنامه را رد کرد، اما در سال ۱۹۸۸ م. پس از اعلام تشکیل کشور فلسطین، آن را به‌عنوان مبنای مذاکرات قبول کرد. (کویگلی، قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت حق بازگشت)

۹-۳-۲. کنفرانس خارطوم ۱۹۶۷: اجلاس «سه نه»

چهارمین اجلاس سران عرب از ۲۹ اوت تا ۱ سپتامبر ۱۹۶۷ م. در خارطوم، پایتخت سودان، برگزار شد. این نشست بلافاصله پس از شکست جنگ شش‌روزه در ژوئن ۱۹۶۷ برگزار شد، جنگی که طی آن اسرائیل کرانه باختری، نوار غزه، بلندی‌های جولان و صحرای سینا را اشغال کرد. تمام کشورهای عربی در این کنفرانس شرکت داشتند، به‌جز سوریه که خواهان جنگی مردمی برای آزادسازی اراضی اشغالی بود. این شکست، رهبران عرب را به اتخاذ تصمیمات قاطعانه‌ای سوق داد، که مهم‌ترین آن‌ها اعلام "سه نه" بود: ۱. نه به صلح با اسرائیل، ۲. نه به مذاکره با اسرائیل و ۳. نه به رسمیت شناختن اسرائیل. این کنفرانس همچنین آشتی میان دو رهبر برجسته عرب، جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، و ملک فیصل، پادشاه عربستان سعودی، را رقم زد.

برخی تحلیلگران معتقدند که کنفرانس خارطوم توانست نشان دهد که اعراب، علی‌رغم شکست نظامی و حمایت نامحدود آمریکا و غرب از اسرائیل، تسلیم نخواهند شد. از همین رو، این اجلاس به عنوان "قوی‌ترین نشست سران عرب" در تاریخ شناخته می‌شود. (یادداشت، ریاض، ۱۹۴۸)

۱-۹-۳-۲. بیانیه پایانی کنفرانس

در بیانیه پایانی اجلاس، رهبران عرب بر مسؤولیت تاریخی خود در قبال ملت‌های عربی تأکید کردند و عزم خود را برای مقابله با چالش‌های پیش‌رو اعلام نمودند.

۲-۹-۳-۲. مهم‌ترین تصمیمات کنفرانس خارطوم ۱۹۶۷م.

۱. اتحاد جهان عرب و پایبندی به منشور همبستگی عربی که در اجلاس ۱۹۶۵م. کازابلانکا، مراکش تصویب شده بود.

۲. تلاش دیپلماتیک مشترک برای عقب‌نشینی اسرائیل از اراضی اشغالی پس از جنگ ۱۹۶۷م. بر اساس اصولی چون: عدم صلح با اسرائیل، عدم مذاکره با اسرائیل، عدم به رسمیت شناختن اسرائیل و حمایت از حق ملت فلسطین در سرزمین خود.

۳. همکاری همه‌جانبه برای آزادسازی اراضی اشغالی و تأکید بر این‌که بازپس‌گیری این مناطق، وظیفه تمامی کشورهای عربی است.

۴. بحث درباره استفاده از سلاح نفت برای فشار بر غرب. با این حال، رهبران عرب پس از بررسی موضوع، تصمیم گرفتند که صادرات نفت را ادامه دهند، اما از آن برای تقویت اقتصاد کشورهای عربی آسیب‌دیده از جنگ استفاده کنند.

۵. افزایش توان نظامی کشورهای عربی برای رویارویی با هرگونه حمله احتمالی، و برچیدن پایگاه‌های نظامی خارجی در کشورهای عربی.

۶. ایجاد "صندوق توسعه اقتصادی و اجتماعی عربی" که پیشنهاد آن از سوی کویت ارائه شده بود.

۷. تخصیص کمک‌های مالی به مصر و اردن برای بازسازی نیروهای مسلح و آمادگی برای جنگ آزادسازی، به شرح زیر:

عربستان سعودی: ۵۰ میلیون پوند استرلینگ

کویت: ۵۵ میلیون پوند استرلینگ

لیبی: ۳۰ میلیون پوند استرلینگ

هدف از این کمک‌های مالی، بازسازی ارتش مصر و سایر کشورهای خط مقدم جنگ بود تا بتوانند برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی از اسرائیل آماده شوند. سوریه که خود در جنگ ۱۹۶۷م. بخشی از خاکش (بلندی‌های جولان) را از دست داده بود، از دریافت این کمک‌ها محروم شد. (شریف، یک قرن درگیری، ۲۰۱۱)

۳. بحران اوکراین و دفاع پیشگیرانه

۳-۱. شرح ماجرا

جنگ روسیه و اوکراین پس از ماه‌ها تنش و حضور نیروهای نظامی روسیه در مرز اوکراین، در ۲۵ فبروری ۲۰۲۲م. با دستور حمله نظامی همه‌جانبه رئیس‌جمهور روسیه، آغاز شد. توجیهات پوتین برای حمله نظامی بر «عملیات نظامی خاص» در دنباس و عدم اشغال اوکراین توسط روسیه، مداخله بشردوستانه

به دلیل ارتکاب جنایت نسل زدایی توسط دولت اوکراین در شرق این کشور بنا شده بود؛ اما مهم ترین توجیه پوتین، مبتنی بر دفاع مشروع فردی پیشدستانه به علت قریب‌الوقوع بودن تهدیدات اوکراین و ناتو و دفاع مشروع جمعی به حمایت از دولت‌های خودخوانده منطقه دنباس است که روسیه پیش از این، آن‌ها را به عنوان دولت‌های مستقل مورد شناسایی قرار داده بود و معاهده دوستی، همکاری و کمک متقابل را با رهبران دونتسک و لوهانسک منعقد کرده بود. (سیفی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۰)

در بحران اوکراین، یکی از موارد قابل توجه استفاده از مفهوم دفاع پیشگیرانه توسط روسیه است. در سال ۲۰۱۴م. روسیه شبه جزیره کریمه را از اوکراین جدا کرده و به خاک خود ضمیمه نمود. این اقدام از سوی روسیه به عنوان دفاع از حقوق اقلیت روس‌زبانان در کریمه و مقابله با تهدیدات امنیتی از سوی اوکراین توجیه شد. روسیه استدلال کرد که تهدیدات در حال رشد از سوی اوکراین و نیروهای نظامی ناتو برای اقلیت‌های روس‌زبان ایجاب می‌کند که این کشور اقدامات پیشگیرانه‌ای را انجام دهد. (کلانتری، ۱۴۰۲، ص ۱۰۵)

با این حال، شورای امنیت سازمان ملل متحد و اکثر کشورهای جهان این اقدام را نقض حقوق بین‌الملل و حاکمیت اوکراین دانستند و آن را به عنوان تجاوز نظامی و اشغال غیرقانونی قلمداد کردند. در این خصوص، موضع سازمان ملل متحد بر اساس اصل عدم مداخله و احترام به تمامیت ارضی کشورها بوده است. به همین ترتیب استناد روسیه به دفاع پیشگیرانه، در سطح بین‌المللی با مخالفت جدی روبرو شد و بسیاری آن را به عنوان نقض اصول منشور ملل متحد دانستند. (ایلخانی پور، ۱۴۰۲، ص ۷۴)

در مورد بحران اوکراین، کشورهای غربی به شدت مخالف اقدام روسیه بودند و آن را به عنوان نقض تمامیت ارضی اوکراین و قوانین بین‌المللی محکوم کردند. ایالات متحده و اتحادیه اروپا ضمن محکومیت این اقدام، تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک علیه روسیه اعمال کردند. این در حالی است که روسیه بر اساس دیدگاه خود، استفاده از زور را به عنوان دفاع پیشگیرانه و برای حفاظت از حقوق اقلیت‌های روسی در کریمه توجیه کرد. (سیفی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۱)

پس از سال‌ها تنش و اختلافات بین روسیه و اوکراین که ریشه در تاریخ طولانی‌تری دارند، در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲م. حمله روسیه به اوکراین آغاز شد. این حمله بخشی از دکترین نظامی روسیه است که از سال ۲۰۱۵ معرفی شد و در آن، تهدیدات ناتو به عنوان یکی از خطرات اصلی برای این کشور مطرح شده است. روسیه در این دکترین، گسترش ناتو به سمت شرق و تحکیم نظامی آن در مرزهای خود را تهدیدی جدی می‌داند. (ندیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۳)

در این دکترین، تهدیدات به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم شده‌اند. تهدیدات خارجی شامل استقرار سامانه‌های دفاع موشکی، طرح‌های استقرار سلاح‌های هسته‌ای و متعارف، و تهدیدات نظامی ناتو به شمار می‌روند. تهدیدات داخلی به بی‌ثباتی کشور از طریق فعالیت‌های تروریستی، تبلیغات ضدروسی و تحریک‌های قومیتی و مذهبی اشاره دارد. این دکترین به صراحت اعلام کرده که در صورت تهدید با سلاح‌های متعارف، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مجاز است. (آذریان، ۱۳۹۵، ص ۱۸) در عین حال، اوکراین پس از سال ۲۰۱۴ و تحولات داخلی‌اش، به‌طور فزاینده‌ای به غرب و ناتو نزدیک شد و اصلاحات

متعددی در راستای پیوستن به ناتو انجام داد. دکتربین نظامی اوکراین در سال ۲۰۲۱م. روسیه را به‌عنوان تهدید اصلی خود معرفی کرد است.

در نهایت، در اوایل ۲۰۲۲م. پوتین به‌طور رسمی از آغاز «عملیات ویژه» در اوکراین خبر داد و هدف خود را حمایت از جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک اعلام کرد. او گفت که این عملیات برای مقابله با نسل‌زدایی از سوی رژیم کی‌یف و دفاع از روسیه است. روسیه به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد استناد کرد و این اقدام را دفاع مشروع دانست.

این حمله از سوی بسیاری از کشورها و حقوقدانان مورد نقد قرار گرفت، چرا که تهدید قریب‌الوقوعی از سوی اوکراین یا ناتو علیه روسیه وجود نداشت. حتی در صورت پذیرش دفاع مشروع پیشدستانه، بسیاری معتقدند که حمله روسیه به اوکراین فاقد مبنای قانونی بوده است. در نهایت، جنگ اوکراین به‌عنوان یک جنگ نیابتی با کمک‌های گسترده نظامی از سوی آمریکا و اروپا به اوکراین، ابعاد جدیدی پیدا کرد. در این میان، روسیه ادعا کرد که اوکراین میزبان تأسیسات تسلیحاتی بیولوژیکی با تأمین مالی ناتو است و این را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت خود معرفی کرد. اما این ادعاها از سوی آمریکا و اوکراین تکذیب شده است. در کل، حمله روسیه به اوکراین را می‌توان به‌عنوان بخشی از دکتربین پیشدستانه روسیه تفسیر کرد، با این حال، تحلیل حقوقی آن همچنان موضوعی چالش برانگیز و مورد مناقشه است. (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۳۱۳)

۲-۳. استناد روسیه به دفاع پیشگیرانه علیه اوکراین

حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲م. به‌عنوان یکی از جنجالی‌ترین موضوعات حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم شناخته می‌شود. روسیه برای توجیه این حمله، به اصل دفاع پیشگیرانه استناد کرد. این ادعا با واکنش‌های گسترده و متنوعی از سوی کشورهای مختلف، سازمان‌های بین‌المللی و تحلیلگران حقوقی روبه‌رو شد. روسیه اعلام کرد که تهدیدات امنیتی ناشی از گسترش ناتو به سمت شرق و اقدامات دولت اوکراین علیه مناطق جدایی‌طلب دونتسک و لوهانسک، خطرات جدی و قریب‌الوقوعی برای امنیت ملی این کشور ایجاد کرده است. بر اساس این استدلال، روسیه به منظور جلوگیری از وقوع یک تهدید بزرگ‌تر، اقدام به حمله نظامی کرد. این کشور همچنین مدعی شد که دولت اوکراین مرتکب نسل‌کشی علیه روس‌زبانان در مناطق شرقی این کشور شده و این موضوع ضرورت مداخله نظامی را تقویت کرده است.

۳-۳. واکنش سازمان ملل متحد

محکومیت حمله روسیه به اوکراین توسط سازمان ملل متحد در واکنش به این اقدام در فوریه ۲۰۲۲م. به صورت رسمی از طریق قطعنامه‌ها و بیانه‌های مختلف اعلام شد. یکی از مهم‌ترین این واکنش‌ها، تصویب قطعنامه ۱۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دوم مارس ۲۰۲۲م. بود که به شدت حمله روسیه به اوکراین را محکوم کرد.

در این قطعنامه، مجمع عمومی سازمان ملل خواستار پایان فوری عملیات نظامی روسیه در اوکراین و عقب‌نشینی تمام نیروهای روسی از خاک اوکراین شد. این قطعنامه همچنین نقض اصول منشور سازمان

ملل از جمله حق حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را محکوم کرد. در این جلسه، ۱۴۱ کشور به قطعنامه رأی مثبت دادند، در حالی که تنها ۵ کشور (روسیه، بلاروس، کره شمالی، سوریه و اریتره) به آن رأی منفی دادند و ۳۵ کشور دیگر از رأی دادن خودداری کردند. این اقدام، از نظر سازمان ملل، تلاشی برای تأکید بر اصول بنیادین منشور سازمان ملل، بویژه احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای عضو است. همچنین سازمان ملل از این موقعیت برای ارائه کمک‌های انسانی به مردم اوکراین و پناهندگان استفاده کرد. (UN General Assembly resolution 11/73 on Ukraine)

۳-۴-۳- واکنش کشورهای غربی به این حمله

کشورهای غربی، پس از حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، به سرعت واکنش نشان دادند و اقدامات مختلفی را به منظور محکومیت حمله، حمایت از اوکراین و اعمال فشار به روسیه انجام دادند. این واکنش‌ها بویژه از سوی اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو ناتو پررنگ بود و شامل اعمال تحریم‌های اقتصادی و نظامی و کمک‌های بشردوستانه به اوکراین شد.

۳-۴-۱- اعمال تحریم‌های اقتصادی

کشورهای غربی بلافاصله تحریم‌های سنگینی علیه روسیه اعمال کردند که هدف آن‌ها آسیب زدن به اقتصاد روسیه و کاهش توان مالی این کشور برای ادامه جنگ بود. این تحریم‌ها شامل: قطع دسترسی روسیه به سیستم بانکی جهانی SWIFT برای کاهش تعاملات مالی بین‌المللی. مسدود کردن دارایی‌های مقام‌های دولتی و شرکت‌های روسی. محدودیت‌های شدید بر صادرات کالاهای فناوری پیشرفته به روسیه بویژه در زمینه‌های هوافضا، دفاع و تجهیزات دیجیتال.

۳-۴-۲- کمک‌های نظامی و بشردوستانه به اوکراین

کشورهای غربی از جمله ایالات متحده، بریتانیا، کشورهای اتحادیه اروپا و دیگر اعضای ناتو، به سرعت به اوکراین کمک‌های نظامی و بشردوستانه ارسال کردند. این کمک‌ها شامل: ارسال تجهیزات نظامی پیشرفته مانند موشک‌های ضد تانک، سیستم‌های پدافند هوایی و مهمات. ارسال کمک‌های بشردوستانه شامل دارو، غذا، پناهگاه و دیگر اقلام ضروری به مردم اوکراین. پذیرش پناهندگان از اوکراین، بویژه از سوی کشورهای همسایه اروپا. (BBC - Western sanctions)

۳-۵- محکومیت‌های عمومی و بیانیه‌های سیاسی

کشورهای غربی در سطح جهانی به شدت این حمله را محکوم کردند. برخی از مهم‌ترین بیانیه‌ها عبارتند از: جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده، این حمله را «تهاجم بی‌رحمانه» و نقض آشکار قوانین بین‌المللی توصیف کرد و اعلام کرد که ایالات متحده در کنار اوکراین خواهد بود. بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، حمله روسیه را تهدیدی جدی برای امنیت اروپا و نقض اصول بنیادین منشور سازمان

ملل دانست و از تحریم‌های گسترده علیه روسیه حمایت کرد. اتحادیه اروپا نیز سریعاً واکنش نشان داد و اعلام کرد که قصد دارد روابط اقتصادی خود را با روسیه به شدت محدود کند.

۳-۶- کمک به انزوای بین‌المللی روسیه

کشورهای غربی بویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا در تلاش بودند تا روسیه را در سطح بین‌المللی منزوی کنند. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این راستا، تعلیق عضویت روسیه در شورای حقوق بشر سازمان ملل بود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. (The Guardian - EU and US sanctions)

۳-۷- واکنش چین در قبال حمله روسیه به اوکراین

واکنش چین به حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲م. نسبتاً محتاطانه و متعادل بود. چین در ابتدا به‌طور علنی از حمله روسیه به اوکراین حمایت نکرد، اما در عین حال به نگرانی‌های امنیتی روسیه در مورد ناتو نیز اشاره کرد. سیاست خارجی چین در این زمینه عمدتاً بر حفظ منافع خود در عرصه جهانی و در عین حال تلاش برای توازن در روابطش با روسیه و غرب متمرکز بود.

۳-۷-۱- حمایت ضمنی از روسیه

چین به‌طور کلی از روسیه در عرصه سیاسی و دیپلماتیک حمایت کرد. این کشور مخالفت خود را با تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی علیه روسیه اعلام کرد و بر اهمیت احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها تأکید داشت. چین در عین حال به روسیه اجازه نداد تا در محکومیت خود به شدت به نظر برسد.

۳-۷-۲- بیانیه‌ها و مواضع سیاسی

چین در اوایل جنگ، ضمن ابراز نگرانی از اوضاع انسانی و امنیتی، خواستار مذاکرات صلح شد و از طرفین خواست تا بحران را از طریق گفت‌وگو حل کنند. چین همواره بر این نکته تأکید داشت که باید به امنیت و حاکمیت کشورها احترام گذاشته شود و از تشدید تنش‌ها جلوگیری شود. چین همچنین در نشست‌های سازمان ملل متحد به‌طور عمومی از روسیه حمایت نکرد، ولی بر مخالفت خود با تحریم‌ها و مداخلات خارجی تأکید داشت.

۳-۷-۳- مخالفت با تحریم‌ها

چین به شدت با تحریم‌های غرب علیه روسیه مخالفت کرد. پکن این تحریم‌ها را به‌عنوان ابزارهایی غیرقانونی و نقض قوانین بین‌المللی دانست و بر لزوم حفظ تجارت آزاد و روابط اقتصادی با روسیه تأکید کرد. بویژه، چین سعی کرد روابط تجاری خود را با روسیه حفظ کند، بویژه در زمینه انرژی.

۳-۷-۴- پیوندهای اقتصادی و انرژی با روسیه

چین تلاش کرد روابط اقتصادی خود با روسیه را تقویت کند، بویژه در زمینه خرید انرژی. چین اعلام کرد که آماده است تا واردات انرژی از روسیه را افزایش دهد و در قراردادهای بلندمدت گاز و نفت، همکاری خود را ادامه دهد. این اقدام از سوی چین بویژه در زمینه تأمین منابع انرژی برای خود اهمیت داشت.

۳-۷-۵- تلاش برای ایفای نقش میانجیگرانه

چین از ابتدا خواستار آتش‌بس و مذاکرات صلح بود، اما همزمان از فشار بر روسیه به‌طور جدی خودداری کرد. پکن سعی کرد به‌عنوان یک قدرت میانجی در بحران اوکراین ظاهر شود و بر اهمیت گفت‌وگو تأکید کرد. (Reuters - China opposes sanctions)

۳-۸- دیدگاه تحلیل‌گران حقوق بین‌الملل

ابهام در مفهوم دفاع پیشگیرانه: بسیاری از حقوقدانان استدلال کردند که استناد روسیه به دفاع مشروع پیشگیرانه با معیارهای حقوق بین‌الملل همخوانی ندارد. دفاع مشروع پیشگیرانه تنها در شرایطی قابل توجیه است که تهدیدی قریب‌الوقوع، شدید و غیرقابل اجتناب وجود داشته باشد. در مورد اوکراین، چنین تهدیدی از سوی جامعه بین‌المللی تأیید نشده است.

نقض اصل تناسب: تحلیل‌گران حقوقی بیان کردند که اقدامات نظامی روسیه در اوکراین، از نظر گستره و شدت، فراتر از آن چیزی است که برای دفاع از خود ضروری باشد. بمباران شهرها و کشتار غیرنظامیان به وضوح نشان‌دهنده عدم رعایت اصل تناسب است.

استفاده از نسل‌کشی به عنوان توجیه: برخی کارشناسان حقوقی اظهار داشتند که ادعای نسل‌کشی علیه روس‌زبانان در شرق اوکراین، فاقد پایه و اساس حقوقی و شواهد کافی است. این موضوع بویژه در پرتو تعریف نسل‌کشی در کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸م) مورد بررسی قرار گرفته است.

همانطور که اشاره شد، منشور سازمان ملل متحد حق دفاع مشروع را به رسمیت شناخته و آن را از استثنائات اصل ممنوعیت استفاده از زور در روابط بین‌المللی قرار داده است. طبق بند چهارم ماده دوم منشور، حق دفاع مشروع به‌طور واضح در ماده ۵۱ آمده است که:

«هیچ‌یک از مفاد این منشور حق طبیعی دولت‌ها را برای دفاع از خود به‌طور فردی یا جمعی در برابر حمله مسلحانه به اعضای سازمان ملل متحد تضعیف نمی‌کند، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند، و اقدامات انجام‌شده توسط اعضای سازمان در اعمال حق دفاع از خود باید فوراً به شورای امنیت اطلاع داده شود و این اقدامات هیچ‌گونه تأثیری بر حق شورای امنیت برای اتخاذ هر گونه اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ندارد.»

این متن به وضوح نشان می‌دهد که قوانینی وجود دارد که باید دقیقاً رعایت شوند تا حق دفاع مشروع به بهانه‌ای برای توجیه و پنهان کردن اعمال تجاوز از سوی دولت‌ها تبدیل نشود. این قوانین شامل شرایط قانونی است که باید در هنگام وقوع حمله یا دفاع رعایت شود، همچنین یک شرط اجرایی وجود دارد که باید شورای امنیت سازمان ملل در جریان قرار گیرد و اعمال حق دفاع به محض مداخله شورای امنیت متوقف شود.

نتیجه‌گیری

دفاع پیشگیرانه، به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در حقوق بین‌الملل، همواره با چالش‌های نظری و عملی مواجه بوده است. این مفهوم بر اساس این ایده استوار است که یک دولت می‌تواند پیش از وقوع یک حمله آشکار و واقعی، در صورت وجود تهدیدی جدی و قریب‌الوقوع، از زور استفاده کند تا از خود دفاع کند. در منشور ملل متحد دو استثنا بر اصل منع توسل به زور در نظر گرفته شده است، ماده ۴۲ اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد و ماده ۵۱ دفاع مشروع، پس از وقوع حمله و استفاده از زور تحت مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد.

از بررسی دفاع پیشگیرانه، می‌توان گفت که این مفهوم همچنان در حوزه خاکستری حقوق بین‌الملل قرار دارد. هرچند برخی دولت‌ها و نظریه‌پردازان حقوقی از حق دفاع مشروع پیشگیرانه دفاع کرده و آن را در مواجهه با تهدیدات نامتقارن مانند تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی ضروری می‌دانند، بسیاری دیگر این مفهوم را به دلیل امکان سوءاستفاده و تفسیر نادرست مورد انتقاد قرار می‌دهند.

تجزیه و تحلیل موارد تاریخی استناد به دفاع مشروع پیشگیرانه نشان می‌دهد که اغلب این اقدامات با واکنش‌های متفاوتی از سوی جامعه بین‌المللی مواجه شده‌اند. در بسیاری از موارد، استناد به دفاع پیشگیرانه به عنوان نقض حقوق بین‌الملل محکوم شده‌اند. اما با دقت در دلایل عدم پذیرش استناد به دفاع مشروع پیشگیرانه، بیشتر از آن که راجع به اصل عدم جواز چنین اقدامی باشد، رد شرایط آن بوده است. به عنوان مثال قریب‌الوقوع بودن حمله و خطر را نپذیرفته‌اند و دلایل کافی برای آن نیافته‌اند و یا به خطرات و پیامدهای چنین اقداماتی تمرکز نکرده‌اند. با این وجود، واقعیت نشان‌دهنده فقدان یک چهارچوب حقوقی منسجم و پذیرفته‌شده برای تعریف و اجرای دفاع مشروع پیشگیرانه است.

به طور کلی، دفاع مشروع پیشگیرانه همچنان نیازمند یک چارچوب حقوقی روشن‌تر و توافق جمعی در سطح بین‌المللی است. برای جلوگیری از سوءاستفاده و حفظ نظم حقوقی بین‌المللی، تعیین معیارهای دقیق برای تشخیص "تهدید قریب‌الوقوع" و "ضرورت و تناسب" اقدامات پیشگیرانه ضروری است. به علاوه، نقش نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظارت بر استفاده از زور و ارائه مجوزهای لازم باید تقویت شود تا اطمینان حاصل شود که اقدامات پیشگیرانه تنها در موارد ضروری و با رعایت حقوق بین‌الملل انجام می‌شوند.

این نتیجه‌گیری تأکید می‌کند که تنها با توجه به این ملاحظات و ارتقای قوانین بین‌المللی می‌توان به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از بروز درگیری‌های غیرضروری، کمک کرد.

منابع

الف) منابع فارسی و عربی:

۱. اکتل، ماری آلن. (۱۳۸۲). مشروعیت توسل به زور علیه عراق: بررسی نظریه پیش‌دستی در دفاع از خود. (سیدحسین سادات میدانی، مترجم). فصلنامه سیاست خارجی، ۱۷(۱).
۲. پیمانی، ضیاء‌الدین. (۱۳۵۷). تفسیر قواعد دفاع مشروع در حقوق جزای ایران. تهران: دانشگاه ملی ایران.
۳. تارونیه، پل. (۱۳۸۵). مسأله مشروعیت توسل به زور علیه عراق توسط ایالات متحده آمریکا. (هادی وحید، مترجم). مجله حقوقی، ۳۵.
۴. جلابی، محمود؛ زبیب، رضا. (۱۳۹۷). ارزیابی دفاع مشروع پیشگیرانه علیه تروریسم. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۳(۸۲).
۵. حسینی زندآبادی، سیدحسین؛ دیگران. (۱۳۹۷). واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۵۳).
۶. حقیقت‌پور، حسین. (۱۳۹۹). دفاع مشروع بازدارنده از منظر حقوق بین‌الملل اسلامی. اصول فقه، ۵۲(۱).
۷. حیدری، حمید. (۱۳۷۶). توسل به زور در روابط بین‌الملل از دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی و فقه شیعه. تهران: انتشارات اطلاعات.
۸. الخطابی، عبدالعزیز رمضان. (۲۰۱۱). الدفاع الوقائی الدولی. دار الجامعة الجدیدین.
۹. خلف، محمد محمود. (۱۹۹۱). حق الدفاع الشرعی فی القانون الدولی الجنائی (الطبعة الأولى). دار النهضة المصریة.
۱۰. رستمی نژاد، امید. (۱۳۹۳). بررسی نقش مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل در شکل‌گیری قواعد امره بین‌المللی با تأکید بر اصل منع توسل به زور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۱. رضایی پیش‌رباط، صالح. (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل و عدم مشروعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶(۴).
۱۲. رضائی، حسن محمد؛ دیگران. (۱۳۹۸). مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تأکید بر منشور سازمان ملل متحد. فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل (علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)، ۱۲(۴۵).
۱۳. زمانی، سیدقاسم. (۱۳۷۴). توجیه کاربرد غیرقانونی زور در قالب دفاع مشروع. نشریه سیاست دفاعی، ۳(۴).
۱۴. شریفی، محسن. (۱۳۸۲). تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۷(۱).
۱۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۰). مشروعیت جنگ و توسل به زور از دیدگاه حقوق بین‌الملل. سیاست خارجی، ۵(۵).
۱۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل بشردوستانه. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۷. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۴). جستارهایی پیرامون حقوق بین‌الملل (جلد اول). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۸. ظریف، محمدجواد؛ آهنی امینه، محمد. (۱۳۹۱). دفاع مشروع، مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، (۱۲).
۱۹. عبدالله یار، سعید. (۱۳۸۹). دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن. مجله مطالعات حقوقی، ۲(۲).
۲۰. عزیزی، ستار؛ نظری، خاطره. (۱۳۹۳). حدود دفاع مشروع دولت قربانی علیه کنشگران غیردولتی. فصلنامه سیاست جهانی، ۳(۴).
۲۱. عطالله، رانه عطالله عبدالعظیم. (۲۰۱۰). الضربات الاستباقیة رؤیة قانونیة. اتراک للطباعة و النشر والتوزیع.
۲۲. علیخانی، مهدی. (۱۳۹۳). مداخله نظامی در یمن از دیدگاه حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق عمومی، (۱)۴۶.
۲۳. علیخانی، مهدی. (۱۳۹۴). قاعده منع توسل به زور و دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی. فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، ۱۱(۴).
۲۴. کاسسه، آنتونیو. (۱۴۰۱). حقوق بین‌الملل، حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان.
۲۵. کرم زاده، سیامک. (۱۳۸۲). تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل. فصلنامه مدرس علوم انسانی، (۲۸).
۲۶. لوو، واکان. (۱۳۸۳). بحران عراق: اکنون از لحاظ حقوقی و حقوق بین‌المللی چه کرد؟ (بررسی اشغال عراق در پرتو حقوق بین‌الملل). (محسن محبی، مترجم). مجله حقوقی، (۳۱).
۲۷. محمدعلی پور، فریده. (۱۳۷۹). دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۸. محمودی جانکی، فیروز؛ صادقی، آزاده. (۱۳۹۴). دفاع مشروع ظاهری. آموزه‌های حقوق کیفری، (۱).
۲۹. مسائلی، محمود؛ ارفعی، عالیه. (۱۳۷۱). جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۰. موسوی، سیدفصل‌الله؛ حاتمی، مهدی. (۱۳۸۵). دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین‌الملل. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، (۷۲).
۳۱. موسی زاده، رضا. (۱۳۸۳). بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی (جلد دوم-اول). تهران.
۳۲. مهرانی، فرزاد. (۱۳۹۱). شرایط حق دفاع مشروع با تأکید بر اقدامات مسلحانه دولت‌ها علیه حملات گروه‌های تروریستی بین‌المللی. دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، (۱)۱، بهار و تابستان.
۳۳. هرسیچ، حسین. (۱۳۸۰). رابطه عملیات تروریستی و سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۶(۱۷۱-۱۷۲).
۳۴. یاقوتی، محمدمهدی. (۱۳۹۰). استثنائات حقوقی ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل. فصلنامه سیاست خارجی، (۴)۲۵

ب) منابع انگلیسی:

35. Al-Halw, R. (2006). Ahkam Al-Difa' Al-Shar'i Al-Khas Fi Al-Tashri' Al-Misri -Al-Filastini Dirasah Muqaranah. Ma'had Al-Buhuth Al-'Arabiyah Al-Qahirah.

36. Al-Khalidi, W. (2014). Filastin Wa-Dirasat Filastin Ba'd Qarn Min Al-Harb Al-'Alamiyah Al-Ula Wa-I'lan Balfur. Majallat Dirasat Filastin, (99),.
37. Khouri, E., Suwaid, M., Sharif, M., & Mansur, K. (n.d.). Qarar Majlis Al-Amn 242... Haqq Qanuni Am Jasad Bayt? Malaf Fi Mawqi' Mu'assasat Dirasat Filastin.
38. Quigley, J. (n.d.). Qarar Majlis Al-Amn 242 Wa-Haqq Al-'Awdah. Majallat Dirasat Filastin.